

ابزار ریاضی نویافته ساخت اصفهان

پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران در بهار امسال سخنرانی با عنوان: ابزار ریاضی نویافته ساخت اصفهان برای تعیین سمت قبله هر شهر و فاصله آن تا مکه برگزار کرد.

در آغاز جلسه دکتر هادی عالم‌زاده رئیس پژوهشکده تاریخ ضمن خیر مقدم به حضار محترم گزارشی از عملکرد پژوهشکده را بیان فرمودند از جمله انتشار نخستین شماره فصلنامه تخصصی تاریخ علم.

دکتریان پیترو هوخندایک استاد دانشگاه اوترخت هلند سخنران جلسه به سخنرانی پرداختند که چکیده سخنرانی ایشان به شرح ذیل است:

۱۰۰

در سال ۱۹۹۹ پروفیسور دیوید کینگ، مدیر تحقیقاتی مؤسسه تاریخ علم دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته فرانکفورت، کتابی را منتشر و در آن ابزاری را معرفی کرد که برای تعیین سمت قبله هر نقطه بر روی کره زمین و فاصله آن تا مکه به کار می‌رفت. از آن زمان تاکنون وجود دو نمونه دیگر از این ابزار تأیید شده است. این هر سه ابزار را حدود ۳۰۰ سال پیش در اصفهان ساخته‌اند.

در سال ۲۰۰۰ مبانی ریاضی این ابزار تشریح و نمونه جدیدی از این ابزار ساخته شد که در آن روش تسطیح قدیمی با استفاده از جدیدترین تصاویر ماهواره‌ای کره زمین (سرزمین‌ها و دریاها)، به کمک یک برنامه کامپیوتری - که الگوندرون در سال ۲۰۰۳ آن را نوشت - به کار رفته است.

دیوید کینگ بر این عقیده است که این ابزار منشأ اسلامی (ایرانی) دارد، اما این عقیده او به شدت با مخالفت پژوهشگران غربی روبرو شده است، زیرا آنان تصور

می‌کنند که این ابزار در سده هفدهم یا هجدهم میلادی در اروپا ساخته شده است. دکتر هوخندایک، در این نشست، مبانی ریاضی این ابزار بسیار پیچیده را مورد بحث قرار داده و ارتباط آن را با روشنی سنتی که قبلاً توسط ریاضیدانان اسلامی - ایرانی چون ابوریحان بیرونی به کار رفته، مدلل ساخت و با استفاده از متنی عربی، نوشته دانشمندی به نام ابو عبدالله محمد بن احمد خازمی که در سده پنجم هجری در اصفهان می‌زیسته، این نکته را اثبات کرد که دانشمندان مسلمان مبنای نظری ساخت این ابزار نجومی را، احتمالاً در سده پنجم هجری و یا حتی پیش از آن می‌شناخته‌اند. در ضمن سخنرانی، هر یک از حاضران در جلسه مدلی از نمونه این ابزار را که اخیراً با کمک برنامه کامپیوتری ساخته شده، دریافت کردند و چگونگی کارکرد با آن را آموختند.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

پیرو درخواست مرکز نشر میراث مکتوب، شورای گسترش آموزش عالی در جلسه ۸۳/۲/۵ با تأسیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب با گروههای پژوهشی ذیل موافقت فرمودند:

۱. گروه پژوهشی علوم و معارف اسلامی
۲. گروه پژوهشی تاریخ و جغرافیا و علوم و فنون
۳. گروه پژوهشی زبان و ادبیات و فهرست نسخه‌های خطی

سلسله نشست‌های مرکز نشر میراث مکتوب

نخستین نشست مرکز نشر میراث مکتوب در تاریخ ۸۲/۶/۱۱ شروع برگزار شد و تا پایان سال ۸۲ جمعاً ۱۰ نشست را برگزار کرد. و خبر برگزاری ۹ نشست و چکیده مطالب پنج نشست در شماره‌های گذشته اعلام شد. حال چکیده نشست ششم تا شانزدهمین نشست به شرح ذیل است.

ششمین نشست: بلوهر و بیودسف

داستان معروف بلوهر و بیودسف در اصل شرح زندگانی بودا است که اساس آن مبتنی بر روایات بودایی است که وارد زبان فارسی شده است و از زبان پهلوی به عربی ترجمه و نخستین بار شیخ صدوق (علیه‌الرحمه) در بخش غیر معصومین وارد متون اسلامی کرده که بسیار حائز اهمیت است. سپس علامه مجلسی آن را در بحارالانوار آورد و حتی به فارسی روان ترجمه کرد و در عین‌الحیة خود درج کرد. پس از شیخ صدوق، ابن مسکویه به داستان بلوهر و بوذاسف پرداخت و ترجمه آن را که از متن پهلوی به عربی برگردانده شده بود، با عنوان الحکمة الخالدة (جاویدان خرد) آورد.

در این نشست نخست استاد روشن درباره چگونگی دستیابی به متن تصحیح شده بلوهر و بیودسف استاد مدرس رضوی و اینکه احتمالاً از سوی استاد مدرس رضوی تصحیح شده باشد، سخن گفت. دکتر عابدی سخنان دوم به محتوای اثر، شیوه کار، نام مؤلف که نظام یا نظام باشد و شیوه تصحیح نسخ پرداخت.

دکتر سعیدحسن امین از مهمانان جلسه درباره بلوهر و بوذاسف و چگونگی راه‌یابی آن به فرهنگ اساطیری سخن گفتند و مصحح را مرحوم محمدعلی ناصح دانستند. آنگاه آقای جلیل نودری درباره پنج نسخه جهانی بلوهر و بوذاسف سخن گفتند. ایشان روایت رومی آن را در حقیقت روایت مسیحی کتاب دانسته و نسخه چاپ شده توسط مرکز نشر میراث مکتوب یعنی نسخه پنجم را روایت اسلامی ذکر کردند و در ادامه به برجستگی‌های روایت پنجم اشاره داشتند و دکتر میرعابدینی هم که روایت مرحوم مجلسی را در انتشارات امیر کبیر چاپ کرده‌اند، درباره اهمیت این کتاب سخن گفتند.

هفتمین نشست: بررسی آثار و آراء قاضی سعید قمی

در ابتدای نشست مدیر عامل مرکز نشر میراث مکتوب طی سخنان کوتاهی ضمن خیرمقدم، به اهداف مرکز از برگزاری چنین نشستهایی اشاره کرد. او طرح آرا و اندیشه‌های بزرگان فرهنگ ایران اسلامی، نقد و بررسی آثار برجسته در حوزه‌های گوناگون معارف انسانی، آشنایی با محققان حوزه متون، و زمینه سازی برای احیای شایسته دستنوشته‌های برجای مانده از پیشینیان را از این اهداف برشمرد.

دکتر یوسف ثانی مدیر جلسه، به نقش قاضی سعید قمی در تبیین عقلانی روایات و اثبات هماوایی برهان و عرفان و شریعت اشاره کرده و سپس با استناد به سخنان امام راحل به این نکته پرداختند که کتاب کلید بهشت از آن قاضی سعید نیست بلکه به استاد وی ملا رجبعلی تبریزی تعلق دارد؛ و نیز روایاتی که درباره اسما و صفات الهی وارد شده به مقتضای فهم مخاطب و شرایط زمانی و مکانی بوده. او در ادامه به این مطلب پرداخت که توجه فقهی به صدور روایات، افقهای تازه‌ای را در راه فهم محتوای آنها باز می‌کند. و در لابلای مباحث به گونه‌های تمثیلی که عرفا برای بیان رابطه میان خالق و مخلوق ارائه داده‌اند اشاره کرد.

نخستین سخنران نشست، دکتر نجفقلی حبیبی، مصحح آثار قاضی سعید قمی، ضمن اظهار خرسندی از برگزاری این نشست و اینکه پس از ارائه آثار قاضی سعید فرصتی برای طرح و نقد اندیشه‌های وی به وجود آمده، تصحیح و انتشار برخی دیگر از آثار قاضی سعید همچون شرح اثولوجیا، شرح حدیث بساط و اسرارالصنایع را وعده کرد. او در مقام معرفی آرا و اندیشه‌های قاضی سعید گفت: قاضی سعید درباره ملاصدرا

و حکمت متعالیه دیدگاه واحدی ندارد. گاه در تمجید از ملاصدرا و آرائش افراط می‌کند و در برخی مباحث چون حرکت جوهری به شدت به نقد و رد نظریات صدرا می‌پردازد.

قاضی سعید بیشتر در صدد شرح و تأویل عرفانی روایات بود و تلاش بسیار کرد تا به نوعی آموزه‌های دینی را بر فلسفه و عرفان تطبیق دهد.

از جمله اندیشه‌های قابل تأمل قاضی سعید، انکار اشتراک معنوی وجود و اعتقاد به این نکته است که وجود میان واجب و ممکنات مشترک لفظی است.

او در مبحث اسماء و صفات و معرفت به الله تعالی دیدگاه خاصی دارد. بر این باور است که نمی‌توان به ذات باری علم پیدا کرد. معرفت ما به خدای تعالی از نوع معرفت اقراری است. ما تنها به اسما و صفات او باید اقرار داشته باشیم اما به کنه ذات و اسما و صفاتش نمی‌توانیم پی ببریم. اسما و صفات الهی را باید به سلب تقایص بازگرداند. مثلاً اگر می‌گوییم خدا عالم است یعنی جاهل نیست. اما علم به اینکه علم الهی چیست ممکن نیست. معرفت عقلانی به حق تعالی امکان ندارد.

در هر حال ذوق و مشرب عرفانی و نگرش عارفانه وی به معارف ستودنی و جذاب است. از این رو بزرگانی چون امام راحل دستیابی به برخی از نوشته‌های قاضی سعید را نوعی توفیق بر شمرده‌اند.

سخنران بعدی استاد صدوقی‌شها تصریح داشتند که علی‌رغم مخالفت‌های قاضی سعید با برخی از مبانی حکمت متعالیه، باید او را در سلسله ناقلان حکمت متعالیه بدانیم. او برای اثبات این ادعا سندی را ارائه داد که بر اساس آن به اثبات می‌رسد که او با چند واسطه در سلسله انتقال اندیشه‌های صدرا به نسل متفکرانی چون ملا علی نوری قرار داد.

سخنران بعدی استاد اکبر ثبوت: نخست در قالب مطایبه به علت فراز و نشیب‌های قاضی سعید در موضع‌گیری در برابر صدرا اشاره کرده. سپس به یکی از شاهکارهای فلسفی او یعنی تمثیل رابطه خالق و مخلوق به آینه پرداخت. ایشان با استناد به برخی از رسائل قاضی سعید تمثیل یاد شده را به دو گونه تقسیم کردند:

۱. تمثیل اشیا و پدیده‌ها به آینه‌هایی که ذات حق را می‌نمایانند و واسطه مشاهده اسما و صفات الهی هستند. این تمثیل در مقام سیر از خلق به سوی حق به کار می‌رود.
۲. تمثیل حق تعالی به آینه‌ای که حقایق اشیا و پدیده‌ها را می‌نمایاند. این تمثیل را

در مقام سیر از حق به سوی خلق به کار می‌رود. او بر این باور است که قاضی سعید این تمثیل را از روایات شیخ صدوق در التوحید و عیون اخبار الرضا برداشت کرده است.

سخنران بعدی، جناب آقای محمد کریمی زنجانی اصل نیز با عنوان «رمزشناسی معنوی کعبه از نظر قاضی سعید قمی و هانری کرین» به تبیین نظام اندیشه‌گی قاضی سعید از منظر هانری کرین پرداخته و اعتقاد داشتند که به دلیل تأثیرپذیری قاضی سعید از نظام‌های فلسفی متعدد و تلاش در تطبیق آنها بر آموزه‌های شیعی شایسته است که او را حکیم بنامیم تا فیلسوف.

در پایان دکتر غلامحسین دینانی طی سخنان کوتاهی به تحلیل فراز و نشیبهایی که در آثار قاضی سعید نسبت به حکمت متعالیه دیده می‌شود پرداخت. او در این باره گفت: قاضی سعید، شاگرد دو استاد بزرگ فلسفه یعنی ملا رجبعلی تبریزی و فیض کاشانی است، دو فیلسوفی که تفاوت میان آنها از زمین تا آسمان است. عجیب‌تر اینکه این هر دو شیعی‌ترین حکمای تاریخ اسلام به‌شمار می‌آیند. دو حکیم ناب علوی: یکی شیعی‌ترین فیلسوف موافق صدرا و دیگری شیعی‌ترین مخالف فلسفه صدرا و چون قاضی سعید از هر دو تأثیر پذیرفته در آثارش موضع‌گیریهای متفاوتی نسبت به صدرا دیده می‌شود.

قاضی سعید از نوابغ حکما به‌شمار می‌آید. او از هوش و اخلاص سرشار برخوردار بود. بر این باور بود که خدای تعالی صفت ندارد و اساساً وصف نشدنی است، زیرا توصیف او به معنای محدود کردن است و خداوند حدی ندارد. خداوند بسیط بحت است و هیچ سخنی درباره او نمی‌توان گفت. هیچ حکیمی به این جرئت در این حوزه سخن نگفته و بدین صراحت او صاف الهی را نفی نکرده. او در پاسخ به این شبهه که در نصوص دینی خداوند به اسما و صفات توصیف شده، آنها را از باب تعلیم عوام می‌داند. حتی معتقد است که خداوند را به وجود و عدم نیز نمی‌توان توصیف کرد؛ او به عرفا نیز حمله می‌کند و آموزه اعیان ثابته را دروغ می‌انگارد.

دکتر دینانی در پایان به تعریف ناپذیری عقل و ارتباط آن با عشق پرداخت.

هشتمین نشست: نقد و بررسی کتاب تاریخ عالم‌آرای امینی
در ابتدا مدیر جلسه آقای جمشید کیان‌فر ضمن اشاره به اهداف مرکز از برپایی این

نشست‌ها تصریح داشت که در این جلسات به دنبال تبیین آرا و اندیشه‌ها و ویژگی‌های متون هستیم نه یافتن اغلاط مطبعی.

نخستین سخنران استاد نوایی به دو نکته اجمالاً اشاره داشتند:

نخست آنکه تصویری که در برخی منابع چون تاریخ ادبی ایران نوشته ادوارد براون از مؤلف ارائه شده منطبق بر واقع نبوده و بر اساس آنها و یا حتی نوشته‌های خود نویسنده نمی‌توان قضاوت کلی در باره او کرد. گرچه در آثار وی جنبه‌های دینی بر سیاسی غلبه دارد و گاه چنین می‌نماید که او برای حفظ برخی از شعائر و ظواهر دین مایل به حضور بیگانگانی همچون دولت عثمانی است، اما باید فضای آن دوره را نیز لحاظ کرد.

نکته دیگر آنکه ظاهراً «خنج» منطقه‌ای در کناره خلیج فارس و جنوب ایران نیست. چون آن‌گونه که از شرح حال نویسنده بر می‌آید، دستش به آب دریا نخورده. باید خنج جایی باشد میان کاشان و اصفهان.

سخنران بعدی دکتر احسان اشراقی که گویا در سال ۱۳۴۸ قصد تصحیح این کتاب را داشته و تا مرحله استنساخ نیز پیش رفته، ابتدا در تأیید نظریه دکتر نوایی تصریح داشت که خنج منطقه‌ای در «لار» میان کاشان و اصفهان است.

او بر این باور است که نویسنده شخصیت دانشمندی بوده که سفرهای متعددی نیز انجام داده؛ و انتقادهایی نظیر آنچه ادوارد براون مطرح کرده، بدون درک شرایط زمان و مکان مؤلف منصفانه نیست.

او در ادامه به تبیین و تشریح دوره نویسنده که معاصر با عصر صفویه بوده پرداخت، و معتقد بود که نویسنده یکی از مهمترین شرایط تاریخ‌نویسی یعنی ادب در نگارش را رعایت کرده است؛ و نظریات و دیدگاه‌های وی درباره تاریخ جالب توجه است. نویسنده در باره فواید و فلسفه تاریخ تحت تأثیر شمس‌الدین سخانی ارزشمندی ارائه کرده است.

نکته پایانی اینکه روزبهان خنجی را به استثنای تعصبات مذهبی می‌توان یکی از مورخان اصیل آن دوره به شمار آورد.

دکتر اشراقی در انتها ضمن اشاره به برخی از کاستیهای آخرین تصحیح عالم آرای امینی در مجموع آن را قابل قبول دانست.

سخنران بعدی دکتر صفت گل نخست به چایهای متعدد این اثر در ده سال اخیر

اشاره داشت. سپس به جایگاه عالم آرای امینی در حوزه تاریخ نویسی ایران پرداخت. اجمال آن اینکه: اهمیت عالم آرای امینی نخست در این است که آخرین و مهمترین نماینده مکتب تاریخ نویسی غرب ایران است. خنجی ادامه دهنده راه ابوبکر تهرانی در برابر مکتب تاریخ نویسی شرق ایران است که کانون اصلی آن هرات بود با موآرخانی قدرتمند و آثاری در تاریخ عمومی و محلی.

اهمیت دیگر عالم آرای امینی در این است که محصول اندیشه تاریخ نویسی موآرخ عالم با یک نگاه فراگیر است. موآرخ که رؤیای خلافت اسلامی را در سر داشت. شاید عالم آرای امینی اولین تجربه خنجی در شکل گیری نظریه خلافت حکومت اسلامی باشد، نظریه ای که بعدها در دیگر آثاری چون سلوک الملوک به کمال رسید. دکتر صفت گل در ادامه به ارزیابی محتوای اثر پرداخته و به فصول مهم آن اشاره داشته توجه مخاطبان را به این نکته جلب کردند که:

عالم آرای امینی را نمی توان یک متن تاریخی به شمار آورد. زیرا تاریخ نگاری یک چهار چوبه معینی دارد. خنجی یک موآرخ نیست و عالم آرای امینی نیز به تعبیر خود او یک تاریخ شکسته بسته است. زیرا اولاً مجموعه اطلاعات این کتاب که خیلی هم مهم اند نسبت به حجم دیگر مطالب اندک است. بخش معتنا بهی سخن پردازی و مباحث دیگر است.

ثانیاً همان گونه که او خود در مقدمه تصریح کرده وقایعی را که در آنها قبح شرعی داشته و یا اذن شرعی نداشته روایت نکرده است.

بنابراین عالم آرای امینی متنی بسیار انتخابی و گزیده است که جزئیات و اطلاعات ضروری تاریخی از آن حذف شده است.

استاد رسول جعفریان سخنران بعدی بیشتر به تبیین مذهب و گرایش دینی خنجی پرداختند. اجمال سخنان ایشان اینکه تصویری که از کتابهای خنجی برمی آید، عالم سنی متعصب ضد شیعی است. این تصویر در ذهن من هم بود. ولی بعد از یافتن اثر جدید خنجی در صلوات بر ۱۴ معصوم، تصوّر من تبدیل به نوعی ابهام شد. در وسیلة الخادم الی المخدوم خنجی را به اصطلاح استاد دانش پژوه یک سنی ۱۲ امامی یافتیم.

در تسنن ۱۲ امامی، ولایت به جز معنای سیاسی آن به عنوان یک مرتبه صوفیانه در کنار معجزات و کرامات و نیز عصمت ائمه قابل قبول است.

روزبهان خنجی تولی را قبول دارد و تبری را در دل تولی قرار می دهد. او مخالف

آرای امامیه در باب تبری است اما تندی نمی‌کند. او نخست ابطال نهج الباطل نگاشته و در آن بشدت به آرای علامه حلی از بزرگان شیعه تاخته و ۲ ماه بعد صلواتیه را می‌نگارد؛ و این حاکی از نوعی مصلحت‌اندیشی به دلیل نفوذ تشیع است. شاید اگر صفویه ظهور نمی‌کرد، این تفکر صوفیانه تسنن ۱۲ امامی چه در شرق و چه در غرب دنیای اسلام باقی می‌ماند.

در کتاب وسیلة الخادم اطلاعاتی در باره زندگی خنجی به چشم می‌خورد که در دیگر آثار او نیست. باور او درباره مهدویت بسیار به عقاید شیعی نزدیک است. او در این اثر اشعاری درباره حضرت سروده و در آن به امین تخلّص کرده است. در انتها در جلسه پرسش و پاسخ، نخست دکتر عالم زاده به پرسشهای ارزشمندی درباره دیدگاههای نویسنده در باب فلسفه تاریخ و آثار مشابه و تأثیر خنجی از سخائی و نیز چگونگی تصحیح متون فنی و متکلف طرح کردند.

نهمین نشست: محبوب القلوب از قطب‌الدین اشکوری.

محمد اشکوری دیلمی لاهیجی، ملقب به قطب‌الدین و بهاء‌الدین، صاحب منصب شیخ الاسلامی، از حکما و عرفای به نام سده یازدهم هجری و از شاگردان برجسته میرداماد به‌شمار می‌آید. او آثار گرانبهایی از خود به یادگار گذاشته که شاخص‌ترین آنها محبوب القلوب است.

۱۹۰

این اثر از مقدمه در تعریف فلسفه، ویژگیهای فیلسوف و منشأ پیدایش فلسفه، مقاله اول در شرح حال و آرای ۳۲ تن از فیلسوفان پیش از اسلام و مقاله دوم در شرح حال ۱۲۶ فیلسوف مسلمان و ۳۱ عارف و مقاله سوم در سیره ائمه اطهار و شماری از احادیث و نیز خاتمه‌ای در شرح حال مؤلف و اسلافش تشکیل شده است. در این نشست که با مدیریت جناب آقای محمد کریمی زنجانی اصل برگزار شد به ترتیب آقایان دکتر مهدی محقق، دکتر اکبر ثبوت، دکتر پرویز اذکایی و دکتر ابراهیم دیباجی به شرح ذیل سخنرانی کوتاهی داشتند:

۱. دکتر محقق: فلسفه اسلامی که در پرتو تلاشهای بزرگانی چون فارابی و ابن سینا به اوج و شکوفایی خود رسیده بود به تدریج با ظهور مخالفانی چون امام محمد غزالی با کتاب تهافت الفلاسفه و نیز افضل‌الدین غیلانی در رساله حدود العالم دچار رکود شد. کم‌کم این گمانه قوت گرفت که فلسفه با آموزه‌های دینی مغایر است و فلاسفه‌ای چون

ابن سینا ملحد و کافر قلمداد شدند. در چنین فضایی مکتب فلسفی اصفهان با اندیشمندان چون میرداماد و شاگردانش نضج گرفت. تلاشهای جدی آغاز شد تا اثبات شود که نه تنها فلسفه با شریعت تنافی ندارد، بلکه از سرچشمه واحدی سیراب می‌شوند. بدین ترتیب اصطلاح فیلسوف جای خود را به حکیم داد و حکما همردیف فقها و اهل حدیث و... قرار گرفتند و فلسفه نیمه‌جان دوباره احیا شد. کاری که ابن رشد در فصل‌المقال و ناصر خسرو در جامع‌الحکمتین آغازگر آن بودند، از سوی فلاسفه متأخر در پرتو آموزه‌های شیعی تداوم یافت و به انجام رسید.

محبوب‌القلوب در چنین فضایی نگاشته شد. از این رو ما مشاهده می‌کنیم که نویسنده تلاش بسیاری دارد تا اندیشه‌های فیلسوفان حتی پیش از اسلام را به نوعی بر گزاره‌های دینی تطبیق دهد؛ و این اثر مملو از استشهاد به آیات و روایات است. نکته دیگری که در این اثر مشاهده می‌شود، پرداختن به شرح حال پزشکان در کنار فلاسفه است. این ویژگی دقیقاً مقتبس از آثار پیشین است و از این جا ناشی می‌شود که اندیشمندان سده‌های نخستین بر این باور بودند که فلسفه و طب از یکدیگر جدا نیستند و آبشخور واحدی دارند. طبیب باید فیلسوف باشد و فیلسوف طبیب. طب فلسفه بدن است و فلسفه طب روح.

ویژگی دیگر محبوب‌القلوب جامعیت و گستردگی مطالب آن است. در این اثر تنها به شرح حال حکما بسنده نشده بلکه شماری از عرفا و متکلمان و حتی علمای اخلاق نیز معرفی شده‌اند.

۲. دکتر ثبوت: فن تاریخ نویسی کما و کیفاً پیشرفت زیادی داشته است. آثاری چون مروج‌الذهب، ریاض‌العلماء و...

اما در تراجم به معانی خاص که به معرفی طبقات خاص تاریخ مثل فقها، اطبا، عرفا و فلاسفه می‌پردازند، وضع به گونه دیگر است. ما در این حوزه آثار ارزشمندی چون صوان‌الحکمة، تتمه صوان‌الحکمة، نزهة الارواح و محبوب‌القلوب را داریم که با بررسی آنها به این نکته می‌رسیم که شیوه تاریخ فلسفه نویسی در اسلام از شیوه عام فیلسوفان مسلمان متأثر بوده است؛ و آن تلاش در جهت هماهنگ کردن مکتبها و نظریه‌های مخالف است. از قدیمی‌ترین آثار فلسفی می‌توان به الجمع بین رأی‌الحکیمین اشاره کرد. فارابی در این نوشته تلاش بسیاری کرد تا میان دو مکتب فکری فلسفی افلاطونی و ارسطویی هماوایی ایجاد کند.

هرچه در بستر زمان پیش می‌رویم تمایل به ایجاد هماهنگی بیشتر می‌شود. سهروردی می‌کوشد تا نظریات فلاسفه یونان باستان نظیر افلاطون و نیز حکمای پهلوی، متصوفه و حکمای هند را به یکدیگر نزدیک کند و در قالب نظام فلسفی واحدی ارائه کند که ما آن را به عنوان حکمت اشراق می‌شناسیم.

اوج این تلاش در حکمت متعالیه متجلی است. صدرالمتألهین افزون به آنچه گذشتگان کردند، اندیشه‌های عرفانی ابن عربی را با تعالیم اهل بیت هماهنگ کرد. علل این شیوه نگارش فلسفه و تاریخ فلسفه را باید در دو عامل دانست: نخست علت اجتماعی؛ یعنی فشار مخالفان فلسفه برای اثبات تنافی فلسفه با دین و عامل مهمتر اعتقاد به وحدت و یگانگی حقیقت و اینکه فیلسوفان همه مردان حق بوده‌اند. بدین معنا که از یک سو حقیقت واحد است و از سوی دیگر فیلسوفان همه سخن حق گفته‌اند. از این رو در موارد اختلاف باید سخنان آنها را تأویل کرد.

در پایان باید یکی از کاستیهای منابعی که در زمینه تاریخ فلسفه نگاشته شده و از جمله محبوب‌القلوب اشاره کرد و آن اینکه معمولاً اطلاعات تاریخی مؤرخان فلسفه دقیق نیست و بر واقعیتهای تاریخی انطباق ندارد. مثل اینکه جالینوس و ارسطو را معاصر حضرت عیسی می‌دانند و...

در ادامه دکتر پرویز اذکایی اجمالاً به جریان فکری که معتقد به جدایی دین و فلسفه است و امروزه به عنوان مکتب تفکیک شناخته شده پرداخت و در پایان پس از برشمردن برخی از اغلاط مطبعی چاپ حاضر محبوب‌القلوب به این نکته اشاره داشت که در محبوب‌القلوب ترتیب تاریخی رعایت نشده است.

سخنران پایانی مصحح کتاب، جناب آقای دکتر ابراهیم دیباجی ضمن اعتراف به اغلاطی که به کتاب راه یافته، نخست به سرگذشت آشنایی ایشان با این اثر و چگونگی تصحیح و بازنویسی آن پرداخته و در ادامه به اجمال نویسنده و اثر را معرفی کرده و به شماری از کاستیهای محتوایی آن تصریح کردند. از جمله اینکه نویسنده علی‌رغم اینکه شاگرد میرداماد بود، هنگام پرداختن به مسائلی چون حدوث و قدم به نظریه میرداماد اشاره نمی‌کند؛ و نیز در بخشی که از شرح حال خود سخن می‌گوید، اطلاعات جزئی همچون تاریخ تولد خود را در اختیار نمی‌گذارد.

در پایان نشست، جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد که از مطالب قابل تأمل آن می‌توان به نظریه استاد صدوقی سها مبنی بر اینکه هیچ تاریخ فلسفه و فلاسفه مدونی در

اختیار نیست؛ و نیز، تبیین شیوه نقل قولها در آثار ملاصدرا از سوی دکتر اکبر ثبوت اشاره کرد.

دهمین نشست: تاریخ نگاری خواجه رشیدالدین فضل‌الله.
خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸ - ۷۱۸ ه. ق) طبیب، عالم و مورخ دانشمند در سراسر دوره سلطنت غازان‌خان و جانشین او اولجایتو و در ابتدای سلطنت ابوسعید مقام وزارت ایلخان را داشت. او به واسطه علم و مهارتی که در طب داشت به دربار ایلخان راه یافت و در سایه تدبیر و سیاست به مرتبه والایی رسید. او به عنوان مورخ برجسته مقامی ممتاز دارد و تألیفات تاریخی وسیع او به لحاظ وسعت و اعتبار و شیوه علمی اعجاب و تحسین محققان را برانگیخته.

در ابتدا دکتر هاشم رجبزاده درباره عقاید دینی و آثار رشیدالدین سخن گفت. رشیدالدین گرچه یهودی تبار بود، اما از روی صدق و اخلاص اسلام آورد. شاهد آن اینکه در جامع‌التواریخ و نیز در مکاتیب خود از مخالفتش با یهودیت سخن گفته و شادی خود را از ویران شدن کلیساها و کنیسه‌ها و بت‌خانه‌ها در دوره غازان‌خان ابراز کرده. نیز در ستایش اسلام غازان‌خان، سبب اسلام آوردن او را هدایت ایزدی دانسته. او در یکی از رسائل خود شرح می‌دهد که حضرت رسول (ص) و علی (ع) را در خواب دیده و بر اثر آن، نور معرفت در دلش تابیده. او در کتابخانه ربع رشیدی در تبریزی ۱۰۰۰ جلد قرآن به خط بهترین خوشنویسان گرد آورد و دارالقرآنی بنا کرد و مساجد و مدارس متعدد ساخت.

او هیچ تعریف و تحسینی درباره مغولان که قومی خونخوار و ویرانگر بودند و از حیث اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر جامعه ایران فشار زیادی وارد کردند ندارد. مگر درباره غازان‌خان که از دید وی پادشاهی مسلمان و ایرانی است نه مغول و اما آثار رشیدالدین:

او آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که بخشی در حوزه تاریخ است، شماری در معارف دینی نظیر تفسیر، علوم قرآن و احکام و اندکی در طب و آئین مملکتداری. در این میان جامع‌التواریخ برجستگی خاصی دارد. البته این اثر تألیف مستقیم خود او نیست، بلکه توسط گروهی از محققان و مترجمان و زیر نظر وی آماده شده است. سخنران بعدی، استاد روشن، درباره محتوای جامع‌التواریخ و چگونگی تألیف آن و

منابع و همکاران وی و پژوهشهای محققان داخلی و خارجی در این حوزه اشاره داشت:

رشیدالدین نخست به فرمان غازان خان، تألیف تاریخ مغول را آغاز کرد. اما پیش از آنکه تدوین آن به پایان برسد، غازان خان در سال ۷۰۴ هـ. ق درگذشت. این تاریخ در دوره جانشین و برادر وی، سلطان محمد اولجایتو به انجام رسید. سپس از سوی اولجایتو مأمور شد تا تاریخ عمومی تألیف کند. او این کار بزرگ را شروع کرد کتابی از تاریخ حضرت آدم تا خاتم و ایران باستان تا ایران اسلامی و ... تألیف جامع التواریخ ۵۰ سال به طول انجامید.

بخش مغول را با کمک چینگ سانگ نوشت.

در تاریخ هند از یک راهب بودایی به نام کاتالاشری بخشی مدد جست.

در تاریخ چین از دو مؤرخ به نامهای لی تاچی و تانگ سو؛ و از تاریخهای موجود در کتابخانه‌های ایران استفاده کرد.

در تاریخ بنی اسرائیل، همکاری ندارد. چون یهودی تبار است، خود از تورات و آثار موجود بهره می‌برد.

تاریخ افرنگ نیز شامل تاریخ پایان و قیصره است.

بخشهایی از جامع التواریخ به دلیل اهمیت به عربی برگردانده شد.

دکتر محمد روشن در ادامه به نسخه‌های این اثر و چگونگی تصحیح آن اشاره داشتند.

دکتر محسن جعفری مذهب که مدیریت جلسه را به عهده داشتند ضمن تحلیل فضای سیاسی اجتماعی دوران رشیدالدین، اسلام آوردن غازان خان، اصلاحاتی که اعمال شد؛ جایگاه جامع التواریخ و اهمیت آن و اینکه تاریخ نگاری رشیدالدین آغازی بود برای چین شناسی علمی، پرسشهای مهمی را مطرح کردند از جمله اینکه:

۱. اصلاحات غازان خان تا چه اندازه محصول ذهن است و تا چه اندازه متأثر از رشیدالدین و ایرانیان قدیم؟

۲. چرا عمر این اصلاحات کوتاه بود؟

۳. چرا تغییر گاه شماری پی گرفته نشد؟

۴. مخالفان اصلاحات چه کسانی بودند؟

از جمله نکات مهم سخنرانی ایشان طرح این ایده بود که آیا اساساً مارکوپولو

واقعیت خارجی دارد؟ آیا او به تمامی نقاط چین سفر داشته؟ اطلاعات او از چین از چه منبعی اخذ شد؟ آیا تشابهی که میان اطلاعات موجود و غیر موجود در سفرنامه مارکوپولو و جامع‌التواریخ است دلیل بر این نیست که او از جامع‌التواریخ بهره برده. در جلسه پرسش و پاسخ نیز مباحثی چون میزان تسلط و آشنایی رشیدالدین با زبانهای بیگانه، روش او در تاریخ نگاری و فلسفه تاریخ از منظر وی طرح شد.

یازدهمین نشست: جامع‌العلوم ستینی

جامع‌العلوم نخستین دانشنامه منظم و مدون به زبان فارسی است که در آن فخررازی، معارف رایج عصر خود را در ۶۰ باب به روشی درست معرفی کرده است. این اثر نخست در سال ۱۳۲۳ به اهتمام ملک‌الکتاب در بمبئی در ۲۲۴ صفحه به چاپ رسید. سپس همان چاپ به انضمام مقدمه و تعلیقات در ۲۷۹ صفحه در تهران به کوشش محمدحسین تسییحی تجدید چاپ شد. نخستین چاپ انتقادی این اثر که بر اساس ۴ نسخه توسط آقای آل‌داود تحقیق و منتشر شده، موضوع نقد و بررسی این جلسه بود.

ابتدا دکتر نصرالله پورجوادی ضمن اشاره به اهمیت اثر، و قدردانی از زحمات مصحح در راه احیای آن، به انتقاد از شیوه تصحیح پرداختند. ایشان شیوه تصحیح را بر اساس سیر تاریخی به تصحیح غیر انتقادی که مبتنی بر دانش و ذوق مصحح است و بزرگانی چون علامه قزوینی و عباس اقبال آغازگر آن بوده‌اند و شیوه تصحیح انتقادی که مبتنی بر ضبط تمامی نسخه‌های معتبر می‌باشد تقسیم کردند و مدعی شدند که در تصحیح جامع‌العلوم تلفیقی از هر دو نوع به کار گرفته شده. در حالی که در چنین اثری باید شیوه دوم انتخاب می‌شد. زیرا شیوه اول بیشتر متناسب با کتابهای درسی و کلاسیک است. کاستی دیگر آنکه مصحح از اقدام نسخ بهره نبرده است. افزون بر آن اینکه مصحح باید به سابقه و لاحقه تاریخی ۶۰ علمی که در این اثر ارائه شده می‌پرداختند و میزان تأثیرپذیری آن از منابع پیشین و تأثیرگذاری در آثار بعدی را مشخص می‌کردند.

نکته دیگر اینکه جامع‌العلوم در برخی از نسخ شامل ۴۰ علم و در برخی دیگر حاوی ۶۰ علم است و این قرینه به ضمیمه شواهد دیگر دال بر آن است که جامع‌العلوم دو تحریر داشته است. در مقدمه مصحح نیز چیزی افزون بر تحقیقات پیشینیان همچون

دکتر طاهری به چشم نمی‌خورد در حالی که باید حاوی نکات جدیدتری باشند. سخنران بعدی دکتر معصومی همدانی، پس از مقدمه‌ای مفصل ضمن نقد دیدگاه برخی از مورخان علم که آثار علمی فارسی را درخور اعتنا نمی‌دانند، به زیبایی و مستدل میزان تأثیرپذیری فخر رازی از ابن هیثم در مباحث مربوط به علم مناظر و به ویژه علم هندسه را تعیین کرده و تصریح داشتند که علت جلب توجه فخر رازی به رساله حل شکوک کتاب اقلیدس ابن هیثم شیوه تشکیک و پاسخ‌گویی ابن هیثم و نیز رویکرد فلسفی وی به این اثر است.

در پایان به برخی از کاستیهای این تصحیح و نکاتی که باید در تصحیح بخشهای علمی آن مورد توجه قرار می‌گرفت اشاره داشتند.

دکتر صادق سجادی مدیر جلسه نیز در سخنرانی خود به سیر تاریخی طبقه‌بندی علوم و جایگاه و شیوه جامع‌العلوم در این روند به تحلیل و نقد و بررسی باب سیزدهم کتاب در علم تاریخ پرداختند.

ایشان تصریح داشتند که: با آنکه رازی در آغاز بسیاری از ابواب، نخست به تعریف و ذکر اصول آن علم برخاسته و تصویری موجز از مبانی نظری هر علم ارائه داده، ولی در هیچ یک از ابواب علم تاریخ این‌گونه عمل نکرده است. نکته دیگر آنکه با بررسی بخش اول این قسمت با مفاتیح‌العلوم خوارزمی روشن می‌شود که یا هر دو از کتاب سنی ملوک‌الارض حمزة اصفهانی بهره برده‌اند یا هر سه منبع مشترکی داشته‌اند.

سپس آقای آل‌داود ضمن تشریح شیوه تصحیح و موانع و دشواریهایی که در سر راه داشته‌اند با پذیرفتن شماری از کاستیها به برخی از انتقادات پاسخ گفته، و تلاش خود را مقدمه‌ای برای تحقیق جدی‌تر تلقی کردند.

دوازدهمین نشست: نقد و بررسی کتاب روضة‌المنجمین

روضه‌المنجمین - که روضة‌النجوم و روضة‌المنجم نیز خوانده شده است - کتابی است درباره علم احکام نجوم که در سال ۴۶۶ هجری قمری توسط شهردان بن ابی‌الخیر رازی به زبان فارسی تألیف شده است.

نویسنده کتاب را به خواهش حکیم علی بن ابراهیم کرمانی نوشته و پس از به اتمام رسیدن آن را به استادش ابوالحسن احمد بن نسوی عرضه داشته و مورد تأیید وی قرار گرفته است.

اطلاعات زیادی از مؤلف در اختیار نیست جز اینکه ظاهراً او یا پدرش تازه مسلمان بوده و نام پدرش که ابوالخیر است باید لقب او باشد. زیرا شهردان زردشتی بودن خود را فراموش نکرده و در نزهت‌نامه از زردشت به علیه السلام یاد می‌کند. گویا روضه را پیش از دیگر اثر مهمش نزهت‌نامه تألیف کرده و در این راه از منابع کهن متعددی بهره برده که شماری از آنها در اختیار نیست. افزون بر آن اینکه به ترجمه‌ها اطمینانی نداشته است.

روضه المنجمین و ویژگیهای نثر میانه سده پنجم را داراست که اینک برای نخستین بار بر اساس ۱۱ نسخه موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج تصحیح و با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز نشر میراث مکتوب منتشر شده است. در آغاز نشست آقای اکبر ایرانی مدیر عامل مرکز، به اهداف این نشست، ثمراتی که تا کنون به همراه داشته، و نیز ضرورت ارتباط با مراکز نگهداری نسخ خطی در داخل و خارج اشاره داشت. سپس حجة الاسلام ابهری ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی به اجمال درباره کاستیهایی که در حوزه فرهنگ پس از پیروزی انقلاب وجود داشته و نیز ضرورت همکاری مؤسسات فرهنگی و تشکیل بانک اطلاعاتی سخن گفتند.

سخنران اول سرکار خانم دکتر هاشمی‌پور درباره ضرورت تصحیح و انتشار آثار نجومی به ایراد سخن پرداخته و در پی پاسخگویی به این سؤال برآمدند که علی‌رغم آنکه مبانی دانشی همچون نجوم دچار تحوّل شده و بسیاری از نظریات نجومی ابطال شده و رهیافتهای جدیدی ارائه شده، چه نیازی به تصحیح آثار نجومی پیشینیان و طرح اندیشه‌های آنان هست؟

ایشان در پاسخ طیّی مقدمه‌ای اشاره داشتند که در جهان اسلام تا قرن چهارم هجری علم شناخت ستارگان را علم نجوم می‌خواندند. این علم شامل اخترشناسی ریاضی (ترکیب افلاک، ساختن و استخراج تقویمها) و اخترگویی (یا علم احکام نجوم) هر دو می‌شد.

این سینا این دو شاخه را از یکدیگر متمایز دانست. او احکام نجومی را از فروع علم طبیعی به‌شمار می‌آورد و اخترشناسی را جزء علم ریاضی. در حالی که بیشتر اصحاب نجوم به پیروی از بطلمیوس اخترگویی را از فروع اخترشناسی یا علم هیئت به‌شمار می‌آوردند.

پس از این مقدمه در دو بخش به ضرورت پرداختن به متون نجومی چنین اشاره کردند:

۱. در مورد ضرورت پرداختن به علم احکام نجوم که شاید بیشتر تردیدها در این حوزه باشد، باید گفت که در کل اگر ما به این حیطة از دستاوردهای بشری به عنوان دانشی نگاه کنیم که ریشه در مشاهدات تجربی داشته، در این صورت چنین رهیافتی، علم احکام را از آن صورت پنهانی و مرموز تبدیل به فنی می‌کند که اعتبار عقلی خود را بر مبنای واقعیات رصدی دقیق و یک روش‌شناسی دقیق بنیاد کرده است.

در ضمن احکام نجوم فایده دیگری هم برای تمدن بشری داشته و آن اینکه چون مورد توجه سلاطین بوده، گذشته از حمایت‌های معنوی، حمایت مالی صاحبان قدرت را هم در پی داشته و به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با اخترشناسی ریاضی داشته است، سبب پیشرفت این علم نیز می‌شده است.

۲. اما در مورد علم نجوم باید یادآور شد که مطالعه این بخش از میراث فرهنگی اسلامی ما دچار وقفه‌های طولانی شد. زیرا از زمانی که ما دیگر اندیشه و نظر اصیل و نوین در این زمینه نداشتیم این علم را به فراموشی سپردیم تا آنکه گروهی از محققان غربی با غور در منابع و دست‌نوشته‌های ما پی به ارزش و اهمیت این سنت علمی بردند. تحقیقاتی که به ویژه در طی پنجاه سال اخیر در زمینه اخترشناسی صورت گرفت، اهمیت این بخش از میراث فرهنگی ما و سطح بالای مفاهیم علمی را که دانشمندان ما در این زمینه به کار گرفته‌اند نشان می‌دهد. این تحقیقات به اثبات می‌رساند که از قرن سوم هجری به بعد دانشمندان اسلامی هدفهای مهمی را دنبال کرده‌اند که عبارتند از: انجام رصدهای جدید، کشف اشتباهات نجومی یونانی - اسکندرانی، ارائه روش‌شناسی جدید و نهایتاً ارائه راه‌حلهای جدید برای علم اخترشناسی.

سخنران بعدی دکتر پرویز اذکایی بودند. ایشان به طور مفصل به معرفی نسخه‌های موجود از این اثر، امتیازها و کاستیهای هر یک پرداخته و اطلاعات حائز اهمیت درباره نسخه‌ها، تاریخ تألیف روضة‌المنجمین و تاریخ تولد و وفات مؤلف، و منابع مهمی که در این زمینه وجود دارد، آثاری که مؤلف از آنها بهره برده، و مهمترین منابع علم احکام نجوم در اختیار حضار قرار داد.

سخنران بعدی دکتر رحیم رضازاده ملک به سه موضوع پرداختند:

نخست با استناد به مباحث خود کتاب و نیز اطلاعاتی که در کتابهای دیگر همچون

زهد نامه وجود دارد، درباره مؤلف روضة‌المنجمین، نام کتاب و زمان تألیف سخن گفتند.

۲. در ادامه به اهمیت صنعت نجوم و ارزش کتاب روضة‌المنجمین پرداخته و تصریح داشتند که بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی در حوزه نجوم و تنجیم وجود دارد. از این رو باید نخست به سراغ منابع دست اول رفته و به احیا و انتشار آنها پرداخت.

۳. در پایان ضمن اشاره به این مطلب که بر خلاف آنچه برخی معتقدند، اخترگویی نزد اخترشناسان و دانشمندان ایران بسیار حائز اهمیت بوده است، به شیوه‌های رایج تصحیح متون که مبتنی بر ارائه نسخه‌بدلها و تفاوت نسخه‌هاست انتقاد کرده و آن را غیر علمی شمردند.

سیزدهمین نشست: منابع فکری صدر المتألهین شیرازی.

نخست مقاله ارسالی آقای ذکاوتی با عنوان «پی‌جویی منابع ملاصدرا» قرائت شد. ایشان در ابتدا ضمن اشاره به منابع اصلی فکری ملاصدرا یعنی چهار جریان حکمت مشاء، حکمت اشراق، عرفان و کلام و تسلط و مهارت وی بر جریانهای یاد شده، با ذکر نمونه‌هایی، برخی از دیدگاههای فلسفی ملاصدرا را برگرفته شده از آثار و اندیشه‌های عرفا و حکمای پیشین دانستند. در ادامه بتفصیل به سیر تاریخی اقوال کسانی که معتقدند ملاصدرا بدون ذکر مأخذ آرا و اندیشه‌ها را نقل می‌کرده، پرداخته و در انتها به فصلی از اسفار اشاره کردند که از دید ایشان عین‌الفاظ رسائل اخوان الصفا است؛ و در پایان به اقتباس ملاصدرا و تأثیر وی از غزالی در مقوله سیر و سلوک و برخی نکات تفسیری پرداختند.

سخنران بعدی دکتر اکبر ثبوت، ضمن مقدمه‌ای کوتاه به دیدگاه ملاصدرا درباره تعصب و تقلید اشاره داشتند و اینکه شارحان و پیروان اندیشه‌های ملاصدرا نیز همچون استاد خویش تقلید و تعصب را تخطئه کرده و خود نیز به نقد اندیشه‌های اساتید خود می‌پرداختند. سپس به طرح شبهه و استدلال گروهی که به اقتباس ملاصدرا از دیگران بدون ذکر مأخذ معتقدند پرداختند. از دید ایشان در دوره ناصری مرحوم جلوه برای نخستین بار این شبهه را مطرح کردند و سپس افراد دیگری چون آقا ضیاء دژی همان شبهات را به شیوه‌ای افراطی تکرار نمودند.

در ادامه در مقام پاسخ به شبهه یاد شده، ضمن نقل سخنان مرحوم الهی قمشه‌ای

تصریح داشتند که این شیوه در میان شاعرانی چون حافظ نیز مرسوم و متداول بوده است. حافظ در بسیاری از موارد در وزن، قافیه، مضمون از شاعران دیگر اقتباس کرده و گاه عین الفاظ شاعر دیگر را در میان اشعار خود به کار برده است. اما آنچه مهم است اینکه این کار به انگیزه انتساب کارهای دیگران به خود نبوده. چه در آن شرایط زمانی اشعار شاعران دیگر شناخته شده بوده. دقیقاً همین نکته در اقتباسها و نقل قولهای ملاصدرا صادق است. به طور قطع عبارات ابن سینا، شیخ اشراق، ابن عربی و دیگران برای اهل اندیشه شناخته شده بود و ملاصدرا هیچ گاه درصدد انتساب آنها به خود نبوده است و به همین دلیل این شبهه در زمان او اصلاً مطرح نبوده. اما به تدریج که آثار وی به عنوان آثار درسی مطرح شد و فاصله زمانی بیشتر شد، برای برخی این گمان پیدا شد که ملاصدرا در اقتباسهای خود، درصدد انتساب آرا به خود بوده است. ایشان در ادامه به موارد نقضی اشاره کردند که در آثار خود منتقدان ملاصدرا وجود دارد.

چهاردهمین نشست: سخنرانی دکتر عارف نوشاهی تحت عنوان تاریخچه مطالعات ایرانی و مباحث متن پژوهی در پاکستان در تاریخ ۸۳/۴/۲۴ تشکیل شد. خلاصه سخنرانی ایشان که مربوط به محدوده جغرافیایی امروزه پاکستان و از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۴۷ میلادی به بعد بود، بدین شرح است:

وقتی در سال ۱۹۴۷ پاکستان از هند بزرگ جدا شده و استقلال سیاسی به دست آورد. در پاکستان دو مرکز قدیم مطالعات فارسی داشتیم، یکی دانشکده دولتی (گورنمنت کالج) لاهور که در سال ۱۸۶۴ (ش ۱۲۴۳) تأسیس شده بود و همزمان بخش فارسی آن فعال بود و دیگری دانشکده خاورشناسی (اورینتل کالج) دانشگاه پنجاب لاهور که در ۱۸۷۰ (ش ۱۲۴۹) تأسیس گردیده بود و همزمان تدریس فارسی و تحقیقات در زمینه ادبیات فارسی و مطالعات ایرانی آغاز شده بود.

این دو مرکز آموزشی و تحقیقاتی فارسی که تا استقلال پاکستان حدود هشتاد سال عمر خود را گذرانیده بودند، تا آن سالها در کارهای تحقیقی مستقیم و غیر مستقیم از همکاری دانشمندانی همچون مولانا محمد حسین آزاد، دکتر شیخ محمد اقبال، حافظ محمود شیرانی، پروفیسور مولوی محمد شفیع، دکتر سید محمد اکرم برخوردار بودند که

نام این بزرگوران برای همه آشناست.

تصحیح آثاری چون: مطلع سعدین و مجمع بحرین، تذکره میخانه، مکاتبات رشیدالدین فضل‌الله، مثنوی وامق و عذار، فرهنگ مدارالافاضل، کلیات جویای تیریزی، تذکره مخزن‌الغریب، مجلات تخصصی نظیر «اورینتل کالج مگزین»، تهیه فهرستهای متعدد نسخه‌های خطی فارسی، تأسیس انجمن‌ها و کتابخانه‌های متعدد از رهاوردهای این دوره است.

در لاهور علاوه بر دانشگاه پنجاب و دانشکده دولتی، چند مرکز پژوهشی و فرهنگی دیگر نیز وجود دارد که همه آنها بعد از استقلال پاکستان برای انجام وظایفی تأسیس شدند و هر چند آنها مستقیماً با زبان و ادبیات فارسی و مطالعات ایرانی سروکار ندارند اما ناگزیرند که گوشه‌چشمی به مطالعات فارسی و ایرانی داشته باشند.

از جمله: «مجلس ترقی ادب» که تاریخ ادبیات فارسی در پاکستان تألیف دکتر ظهور الدین احمد (ج ۲) را چاپ کرد و چندین متن قدیم اردو - فارسی را احیاء کرد. «اقبال اکادمی پاکستان» که محور کار او تحقیقات در افکار و اندیشه‌های علامه محمد اقبال لاهوری است.

«موقوفه دیال سنگ کالج» در لاهور مرکز تحقیق عربی و فارسی را دائر کرده است که در آن موقوفه نسخه‌های خطی عربی و فارسی را گرد می‌آورد و تا به حال پنج جلد فهرست مشروح نسخه‌های خطی عربی و فارسی را منتشر کرده است و سازمان خصوصی پیکجز لمتتد.

استان‌سند با آن قدمت تاریخی و وابستگی خود به فارسی و نزدیکی به ایران، باز یکی از مهمترین مناطق مطالعات ایرانی و متن پژوهی فارسی در پاکستان است. دانشگاه کراچی که پس از استقلال پاکستان شروع به کار کرد، مرحوم دکتر غلام سرور شاگرد دکتر هادی حسن در دانشگاه اسلامی علیگره، اولین رئیس بخش فارسی دانشگاه کراچی شد.

یکی از دیگر استادان بخش فارسی دانشگاه کراچی، دکتر ساجدالله تفهیمی است که از کارهای عمده او تذکره شعرای اصفهانی شبه قاره (اسلام آباد، ۱۳۷۲) و کشف‌الالفاظ کلیات فارسی اقبال لاهوری است.

دانشگاه کراچی از حدود سال ۱۹۷۰ انستیتو مطالعات آسیای میانه و غربی را دارد. بخشی از کارهای این مرکز مربوط به ماوراءالنهر و بخشی دیگر مربوط به ایران است و

در حال حاضر یکی از مراکز خوب پژوهشی پاکستان است که کارها را آکادمیک انجام می‌دهد و در محافل پژوهشی ایران شناخته شده است. دکتر ریاض الاسلام تاریخدان پاکستان و عصر صفوی که اشراف بر این انستیتو دارند و از کارهای ایشان اسناد و مکاتبات دوره تیموریان هند و صفویان، از سوی بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است، به زبان فارسی عنایت ویژه‌ای دارند و علاوه بر کتابهای تحلیلی و انتقادی به زبان انگلیسی چندین متن فارسی را در انستیتو چاپ کرده‌اند. من از بحرالاسرار بلخی، خاطرات مطربی سمرقندی، تذکرة الشعرا جهانگیر پادشاه، مثنوی خان آرزو و نصرت نامه ترخان یاد می‌کنم. دکتر ریاض الاسلام دوست دیرینه استاد ایرج افشار هستند و دو کار استاد افشار را نیز در مؤسسه چاپ کرده‌اند. یکی جامع التواریخ حسنی و دیگر سعادت نامه با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب.

وقتی صحبت از مطالعات فارسی و ایرانی در سند است، نام مرحوم پیر سید حسام الدین راشدی را باید با کلک زرین نوشت. از میان پاکستانیان اگر کسی را می‌توان به عنوان ایرانشناس و ایراندوست به عیار تمام نام برد، پیر صاحب است. دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های او حفظ و احیای فارسی همراه با مطالعات و تدقیقات آبرومندانه در پاکستان بود. او سگّو یا تریبون مناسبی برای ارائه مطالعات خود به دست آورد که انجمن ادبی سندی (سندی ادبی بورد) بود. کار این انجمن انتشار متون فارسی و سندی در زمینه تاریخ و ادب و فرهنگ سند بوده است و پیر راشدی ده‌ها نسخه خطی فارسی را که در گوشه گمنامی مانده بود، بیرون کشید و تصحیح کرد و از طرف انجمن چاپ کرد.

بخشی دیگر از مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی و مباحث متن‌پژوهی در پاکستان برمی‌گردد به فعالیت‌های مؤسسات ایرانی در پاکستان که بسیار چشمگیر است. بلافاصله پس از استقلال پاکستان، دولت ایران، خانه فرهنگ ایران را در کراچی تأسیس کرد و به تدریج در شهرهای دیگر پاکستان مانند حیدرآباد، ملتان، کوئته، لاهور، راولپندی و پیشاور نیز خانه‌های فرهنگ ایران باز شد. سفارت ایران در پاکستان، دفتر رایزن فرهنگی مستقلی دارد که استادانی همچون مرحوم محمدحسین مشایخ فریدنی و مرحوم دکتر محمدجعفر محجوب به سمت‌های رایزن فرهنگی، زبان فارسی را در آن سامان تقویت کردند. خانه‌های فرهنگ ایران تا قبل از انقلاب نقش مراکز آموزش زبان فارسی را داشتند و من نیز یکی از آموختگان فارسی خانه فرهنگ

ایران در راولپندی هستیم. کتابخانه‌های مرتب و منظم خانه‌های فرهنگ به محققان در کارهای تحقیقی کمک می‌کرد.

نقطه عطف نقش مؤسسات ایرانی در پاکستان تأسیس «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» در اسلام‌آباد در سال ۱۹۷۰ بود که با توافق وزارت آموزش عالی پاکستان و وزارت فرهنگ و هنر ایران پا برجا شد. اهداف مرکز جمع‌آوری نسخه‌های خطی، تهیه فهرست نسخه‌های خطی پاکستان، نشر متون فارسی در زمینه تاریخ و ادبیات منطقه بوده است و بحمدالله تا کنون که ۳۴ سال از تأسیس مرکز می‌گذرد، مرکز همیشه به سوی اهداف خود جلو رفته است. امروز این مرکز با بیش از بیست و چهار هزار مجلد نسخه خطی و حدود چهل هزار کتاب چاپی یکی از بهترین مراکز پژوهش‌های ایرانی و ادبیات فارسی برای پاکستانیان است که البته غیر پاکستانیان نیز از آن بهره‌مند هستند. توجه اصلی مرکز به تهیه فهرست نسخه‌های خطی بوده است و مرکز اولین بار به پیشنهاد دکتر علی‌اکبر جعفری مدیر وقت تجربه تألیف فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان را کرده است که چهارده جلد آن از تألیف استاد احمد منزوی چاپ شده است.

در پایان باید از نقش مجلات و نشریات پاکستانی در گسترش و خدمت مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی و متن‌پژوهی یاد کرد. مجلاتی چون تحقیق، سفینه، صحیفه، اقبالیات، هلال، سروش و پاکستان مصور از آن جمله‌اند.

مقالاتی که در این مجلات فارسی چاپ شده است و به زمینه مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی مربوط می‌شود، در فهرست مقالات فارسی استاد ایرج افشار ضبط شده است. اما بخش عظیم تحقیقات ایرانی در مجلات اردوی پاکستان پراکنده است. شبه قاره یک دنیای کشف نشده از لحاظ نفوذ فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی است. هنوز بدون اغراق هزاران نسخه خطی فارسی فهرست نشده در شبه قاره داریم که هر یکی سندی بر حاکمیت ادبیات فارسی در آن سامان است.

خواهش من از شما این است که به این میراث مشترک نیاکان خود توجه داشته باشید، هر چه فهرست بیشتر چاپ شود، سهم فرهنگ ایرانی در شبه قاره روشن‌تر خواهد شد. تأسیس یک مرکز فهرست نویسی و مسائل مخطوطات با حمایت دولت ایران در تهران، کفایت می‌کند که لااقل آثار نیاکان خود را شناسایی کنیم.

پانزدهمین نشست: آرا و اندیشه‌های شیخ شهاب‌الدین سهروردی

دکتر دینانی در طی سخنرانی خود به مباحث ذیل اشاره داشتند:

تمامی فیلسوفان مسلمان، پس از حیاتشان نیز مطرح بوده‌اند و آثار و اندیشه‌های آنها مورد توجه قرار می‌گرفت. آثار برخی همچون ملاصدرا، در شمار کتابهای درسی حوزه فلسفی قرار داشت و عده‌ای نیز همچون ابن سینا مرزها را درنوردیده و اندیشه‌ها و آثارشان در خارج از ایران نیز مطرح و شناخته شده بود. اما سهروردی مهجور و غریب است. با اینکه نزدیک به هشت قرن از حیات وی می‌گذرد، هیچگاه جز دهه‌های اخیر مورد توجه نبوده. آثار وی علی‌رغم اهمیت، به عنوان کتاب درسی مطرح نبوده. در دهه‌های اخیر با تلاشهای هانری کربن و برخی از محققان معاصر وی مطرح و آثارش به زیور طبع آراسته شد و مقالات متعددی درباره اندیشه‌هایش نوشته شد. یافتن علت مهاجرت وی دشوار است. شاید علت این مهاجرت آن باشد که هیچ ملتی به اندازه ما ایرانیان با تاریخ و پیشینه خود در ستیز نیست. سهروردی بیش از اینکه یک فیلسوف تمام عیار باشد، مظهر تاریخ هویت فرهنگی ماست.

از جهات مختلفی می‌توان درباره سهروردی سخن گفت. یکی از تلاشهای ارزشمند سهروردی که هیچ بدان توجه نشده تلاش در جهت اثبات این نکته است که بر خلاف تصور بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان و غربی خاستگاه فلسفه یونان نبوده، بلکه در ایران نیز به موازات یونان اندیشه‌های فلسفی وجود داشته و حتی بزرگانی چون افلاطون تحت تأثیر حکمای ایران بوده‌اند.

سهروردی نوآوریهای بسیاری در فلسفه اسلامی ارائه کرده و حتی در حوزه منطق اندیشه‌های بدیعی را ارائه نمود.

یکی از ابعاد نظام فلسفی سهروردی، بُعد دینی آن است. برهان صدیقین که برای نخستین بار توسط ابن سینا ارائه شد، بار دیگر توسط ملاصدرا بر اساس اصالت وجود تبیین شد. اما این سهروردی بود که با اقتباس از آموزه‌های دینی، اصالت نور را طرح کرد و برهان صدیقین را بر این اساس پی‌ریزی کرد. به جرئت می‌توان گفت هیچ فیلسوفی به اندازه وی بر قرآن تسلط نداشت و تفسیرهای باطنی وی بهترین دلیل بر این مدعاست.

سخنران بعدی دکتر اصغر دادبه نیز در پی پاسخگویی به این پرسش بودند که علی‌رغم آنکه آثار سهروردی از حیث محتوا و نثر بسیار ارزشمند است، چرا مهجور

مانده است؟ ایشان ریشه‌های این معضل را در مسائل سیاسی دانسته، در مقام تحلیل و تبیین آن تصریح داشتند که: سهروردی سمبل بازگشت به خویشتن ایران است. سپس به تحلیل تاریخی پرداخته و نقش ایرانیان را در رشد و بالندگی فرهنگ و تمدن اسلامی به اجمال طرح کردند. در ادامه پس از تفکیک میان عربیت و اسلامیت به جریان بسیار مهم، باطن‌گرایی در طول تاریخ اشاره کرده و ریشه‌های آن را در دوره ساسانی پی گرفته و بر این باور بودند که از زمان هارون الرشید بیشتر کسانی که به جرم زندقه و کفر به قتل رسیدند، اندیشمندان ایرانی یا پروردگان فرهنگ ایرانی طرفدار تأویل متن بودند. تعارض و جریان معتزلی و اشعری از آغاز نیز در واقع از تعارض میان باطنی‌گرایی و جمود بر ظاهرگرایی سرچشمه می‌گیرد. و سهروردی یکی از نمایندگان بارز همان جریان باطنی‌گرایی ایرانی است.

شانزدهمین نشست: نقد و بررسی کتاب مرآت واردات.

در ابتدا آقای سیدعلی آل داود درباره توارخ محلی، اهمیت و ضرورت تصحیح و انتشار آنها سخن گفت. ایشان بر این باور بودند که توارخ محلی از تاریخهای مهم‌تر و با ارزش‌ترند. در ادامه ضمن اشاره به این نکته که عموم کسانی که به تصحیح متون تاریخی دست می‌زنند، در این حوزه تخصص ندارند تصریح داشتند که خوشبختانه مرآت واردات از سوی کسی تصحیح شده که خود در این حوزه صاحب نظر است، در پایان به طور اجمالی به نکات قوت این اثر پرداختند.

سخنرانی بعدی دکتر احسان اشراقی نیز در ابتدا به ضرورت پرداختن به تاریخهای محلی اشاره داشتند. سپس به آثار برجای مانده از دوره صفوی و اهمیت و ارزش تصحیح و انتشار آثار تاریخی این دوره پرداختند. و در پایان به دشواری و اهمیت مقوله تصحیح و نکات قوت تصحیح مرآت واردات و مقدمه مصحح اشاره کردند. سخنران پایانی دکتر صفت‌گل نیز به تفصیل درباره اثر و ویژگیهای آن سخن گفتند که خلاصه آن چنین است.

مرآت واردات اثری است مفصل که نسخه اصلی آن در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه بودلیان در آکسفورد نگهداری می‌شود. این نسخه توسط آرچیبالد سوینتون پزشک کمپانی هند شرقی در هندوستان به انگلستان برده شد و پس از درگذشت او در حراج کریستی در لندن توسط اوزلی خریداری و پس از آن به کتابخانه بودلیان داده

شد.

محمد شفیع طهرانی در مرآت واردات بر آن بوده تا عمدتاً متنی به شیوه تذکره الاولیا در شرح حال اولیا و مشایخ صوفیه و شاعران مرتبط با این عرصه تألیف کند. در ضمن گزارشهای مربوط به عرفا و بخشی را به زندگی و مقامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی اختصاص داده است. اما برخلاف رویه خود که معمولاً به کوتاهی درباره هر یک از عارفان سخن می‌گوید، در این بخش پس از ذکر چند روایت نه چندان معتبر درباره شیخ، به تفصیل درباره جانشینان او، تشکیل دولت صفوی، روند تحولات آن و مخصوصاً درباره سالهای پایانی فرمانروایی صفویان و از همه مهمتر سقوط دولت صفویه و پیامدهای آن مطالبی ذکر می‌کند که به ویژه در بخش آخر منحصر به فرد هستند. همین بخش از متن کتاب را در سنجش با آثار موجود می‌توان به عنوان اطلاعاتی گرانبها درباره سقوط صفویان ارزیابی کرد.

از دیدگاه تاریخ ایران در اواخر عهد صفویه، مرآت واردات از جهات گوناگونی اهمیت دارد. عمده اهمیت آن به دلیل گزارشهای مفصل او درباره پیامدهای سقوط صفویان و اوضاع نواحی شرقی ایران به ویژه در خراسان است. روایت مرآت واردات درباره تکاپوهای ملک محمود سیستانی و اعلان سلطنت توسط او در خراسان منحصر به فرد است. طهرانی که اثر خویش را در هندوستان نوشت، عمده اطلاعات خویش را در این باره از محمودیان گرفته است. این محمودیان، یاران ملک محمود سیستانی بودند که پس از پایان غم‌انگیز زندگانی او که با توطئه بعضی از یاران نزدیک او و فشار نظامی شاه طهماسب دوم و طهماسب قلی رقم زده شد، به هندوستان گریختند.

در یک ارزیابی عمومی، مرآت واردات که اینک به همت مرکز نشر میراث مکتوب بر اساس نسخه کتابخانه بودلیان نشر یافته است، متنی پر اهمیت برای تحقیق درباره زمینه‌های پرافتادن صفویان، و پژوهش درباره اوضاع شرق ایران در این دوره و به عنوان حلقه‌ای در میان منابع مربوط به تاریخ نویسی ملوک نیمروز در نظر گرفته می‌شود. با نشر این اثر پرتوی نو بر رویدادهای این دوران انداخته می‌شود و به یاری آن می‌توان اطلاعات گاه یکسونگرانه منابع افشاری مربوط به تاریخ تحولات سیاسی این عصر را مجدداً ارزیابی کرد.

حامیان نسخ خطی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در نظر دارد آذرماه سال جاری، پنجمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی را با یاد و بزرگداشت مقام علمی مرحوم دکتر اصغر مهدوی برگزار کند و از برگزیدگان محورهای ذیل تقدیر نماید.

محورها:

۱. حفاظت و نگهداری نسخ خطی
 ۲. فهرست نگاری نسخ خطی
 ۳. صحافی، مرمت، آسیب شناسی نسخ خطی
 ۴. اهدای نسخ خطی به کتابخانه‌ها و خیرین در عرصه چاپ متون کهن
 ۵. تصحیح و تحقیق متون
 ۶. کتب و مقالات تحقیقی در عرصه‌های مربوط به نسخ خطی (نسخه شناسی، نسخه پردازی، شیوه تصحیح متون، ترجمه نسخ خطی) و نقد و معرفی متون
 ۷. مجلات تخصصی و کاربردی در حوزه نسخ خطی
 ۸. ناشران برتر در عرصه نشر متون کهن
 ۹. آثار برجسته رادیویی و تلویزیونی درباره معرفی نسخ خطی و متون کهن
 ۱۰. پایان نامه‌های دانشجویی در زمینه تصحیح متون
 ۱۱. اطلاع رسانی، وب سایت‌ها و تولیدات الکترونیکی در عرصه متون کهن و نسخ خطی. از این رو کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی در صورت تمایل می‌توانند افراد برگزیده در محورهای چهارگانه نخست را به طور مشروح کتباً معرفی نمایند و در مورد تلویزیونی، دو نسخه از آثار خود را حداکثر تا پایان مهرماه سال جاری (۸۳) برای داوری به دبیرخانه بزرگداشت حامیان نسخ خطی ارسال کنند.
- لازم به ذکر است، تنها آثاری که در سال ۸۲ و نیمه اول ۸۳ منتشر شده‌اند و پایان نامه‌هایی که در سال ۸۲ و نیمه اول ۸۳ دفاع شده‌اند، مورد داوری قرار خواهند گرفت.